

نرخ تورم

نرخ تورم دوازده ماهه با آغاز به کار دولت سیزدهم (شهریور ۱۴۰۰) تا اردیبهشت ۱۴۰۱ روند کاهشی را تجربه نمود و بعد از آن متعاقب حذف ارز ۴۲۰۰ و پرداخت یارانه نقدی (در نیمه اول ۱۴۰۱) و سپس بروز شوک ارزی ناشی از ناآرامی‌های سیاسی (در نیمه دوم ۱۴۰۱)، با افزایش روبه‌رو و در

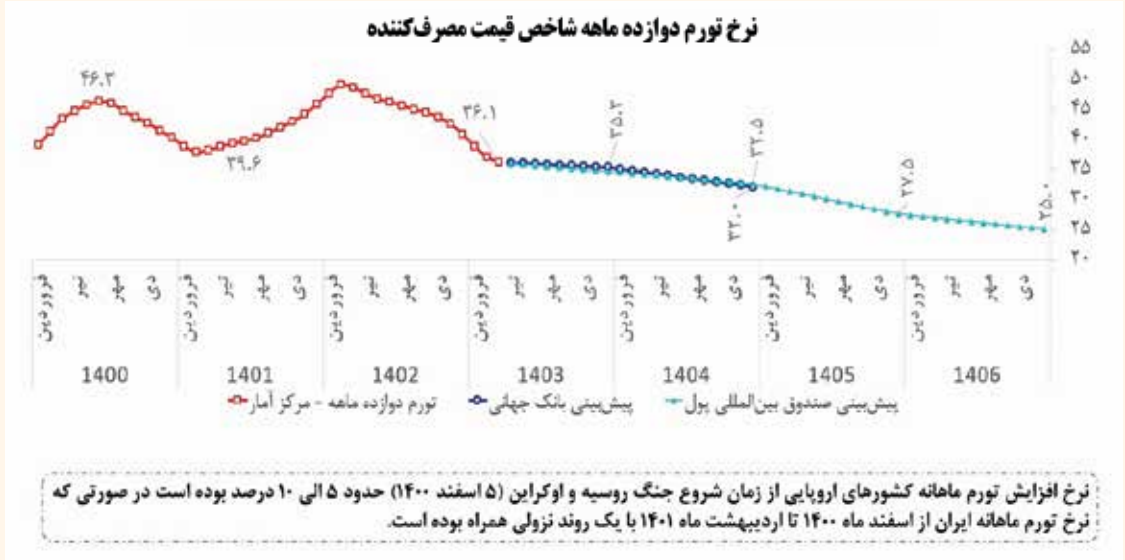
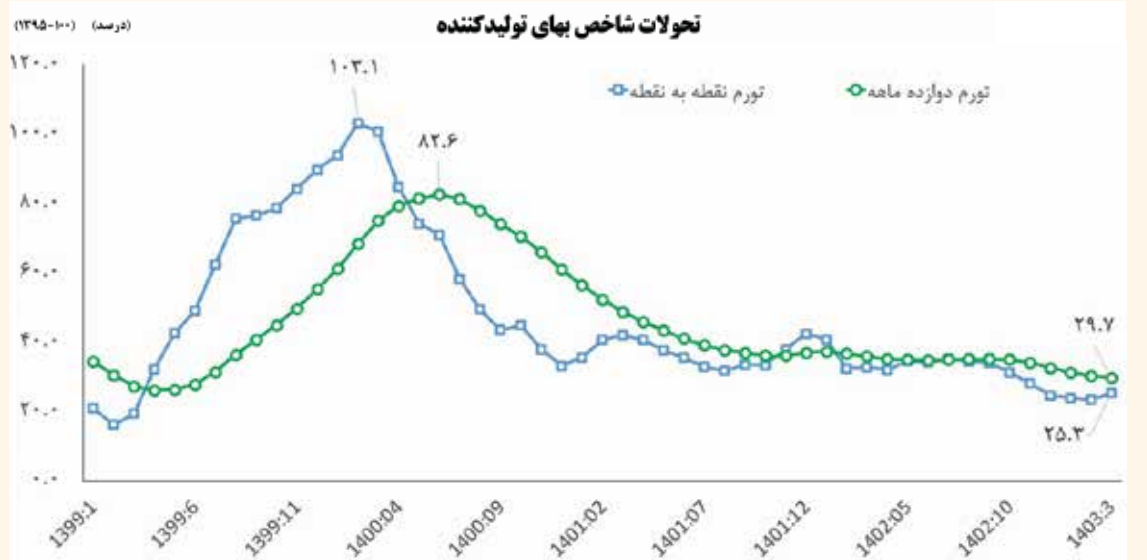
اردیبهشت ۱۴۰۲ به بالاترین میزان خود در سه ساله اخیر رسید. با اقدامات صورت گرفته در مدیریت بازار ارز و نیز کنترل رشد نقدینگی، طی یک سال اخیر روند نرخ تورم دوازده ماهه به صورت پیوسته کاهش یافته و به ۳۶٫۱ درصد در خرداد ۱۴۰۲ رسید. دولت سیزدهم در شرایطی اقتصاد را تحویل می‌دهد که مطابق پیش‌بینی‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، چشم‌انداز نرخ تورم در ایران برای سال‌های آتی نزولی است.

نکته مهمی که در خصوص افزایش نرخ تورم در سال ۱۴۰۱ باید مورد توجه قرار داد، آن است که برخلاف اغلب جهش‌های

تورمی سال‌های قبل، در این سال پرداخت یارانه نقدی به خانوار (که در واقع افزایش بیش از شش برابری یارانه نقدی بود)، نوعی جبران در برابر افزایش هزینه‌های ناشی از تورم ایجاد نمود و موجب کاهش نابرابری در سال ۱۴۰۱ شد.

شاخص مهم دیگری که می‌تواند به عنوان شاخص پیش‌نگر برای تورم مصرف‌کننده عمل کند، شاخص تورم قیمت تولیدکننده است. تورم دوازده‌ماهه تولیدکننده در ابتدای دولت سیزدهم، بیش از ۸۰ درصد بود، اما با مجموعه اقدامات صورت گرفته در دولت در زمینه مدیریت نظام ارزی و نیز مدیریت ناترازی بودجه و شبکه بانکی، شاهد

کاهش پیوسته در نرخ تورم تولیدکننده بودیم به گونه‌ای که این شاخص در پایان خردادماه ۱۴۰۲ به کمتر از ۳۰ درصد رسیده است. این روند کاهشی مداوم، نشانگر افق کاهشی تورم مصرف‌کننده است که چنانکه بیان شد، در گزارش‌های نهادهای تخصصی بین‌المللی نیز منعکس شده است.

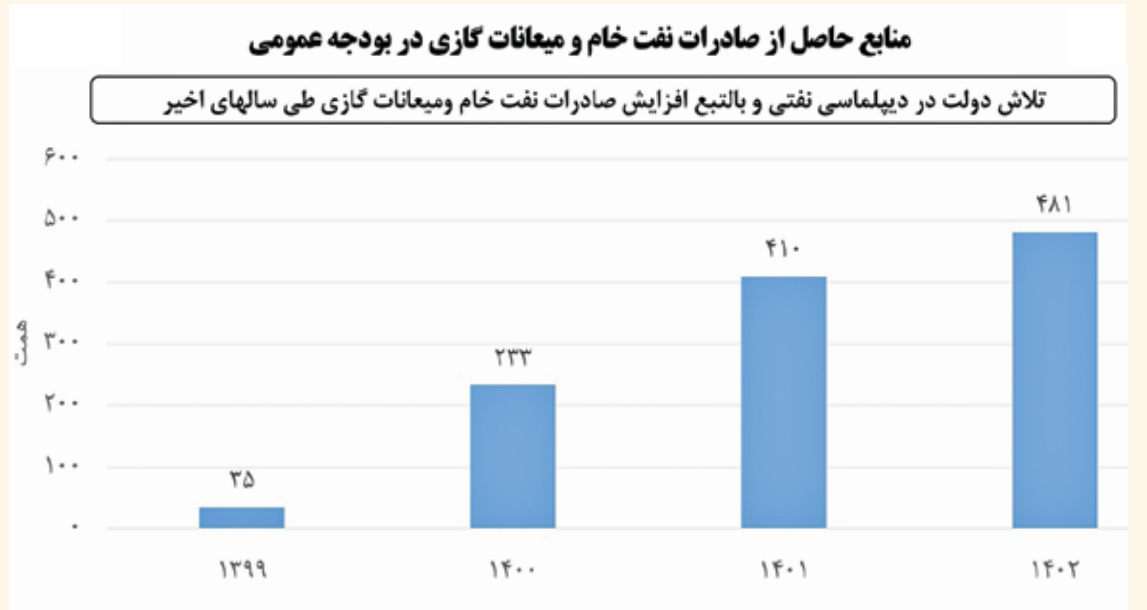


نرخ افزایش تورم ماهانه کشورهای اروپایی از زمان شروع جنگ روسیه و اوکراین (۵ اسفند ۱۴۰۰) حدود ۵ الی ۱۰ درصد بوده است در صورتی که نرخ تورم ماهانه ایران از اسفند ماه ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ با یک روند نزولی همراه بوده است.

صادرات نفت

هرچند به موجب قوانین و اسناد بالادستی؛ روند منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی در بودجه عمومی می‌بایست کاهشی باشد لیکن این موضوع به مفهوم به صفر رساندن صادرات نفتی کشور و به دنبال آن مقروض نمودن دولت نبوده و با توجه به مجوزها و تکالیف تعیین شده در قوانین بودجه سنواتی، تأمین بخشی از اعتبارات عمومی از محل منابع نفتی اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر درجای مانده سایر طرح‌های عمرانی دولت و ایجاد رکود اقتصادی از دیگر معضلات کاهش صادرات نفت خام و میعانات گازی می‌باشد که این موضوع به

وضوح در سال ۱۳۹۹ اقتصاد کشور را با چالش جدی مواجه نمود. بر این اساس و در راستای ایجاد رونق اقتصادی طی سه سال اخیر تلاش گردید تا با اتخاذ دیپلماسی انرژی فعال در منطقه و هماهنگی وزارت خارجه و وزارت نفت در این خصوص و تبدیل تهدیدها به فرصت، شرایط صادرات نفتی کشور تغییر یابد. علاوه بر این افزایش روند صادرات نفتی کشور موجب گردید تا تعویقات و تعهدات برجای مانده سنوات گذشته نیروهای مسلح و موارد مربوط به تقویت بنیه دفاعی کشور نیز به نحو مطلوبی پرداخت گردد.



سجاد صفری / ایران

تجارت خارجی

عملکرد دولت سیزدهم در حوزه تجارت خارجی، هم در زمینه صادرات غیرنفتی، هم صادرات نفت و هم مدیریت واردات، نشانگر تحول ملموس نسبت به سال‌های پایانی دولت دوازدهم است. چنانکه در نمودار زیر مشاهده می‌شود، مجموع ارزش تجارت خارجی غیرنفتی کشور در سه سال پایانی دولت دوازدهم، با نزول پیوسته، از رقم حدود ۸۸ میلیارد دلار به کمتر از ۷۴ میلیارد

دلار کاهش یافت. این نزول در حوزه صادرات شدیدتر بود به گونه‌ای که صادرات غیرنفتی کشور از حدود ۴۵ میلیارد دلار در سال ۹۷ به حدود ۳۵ میلیارد دلار در سال ۹۹ کاهش یافت. با اهتمام دولت سیزدهم به توسعه دیپلماسی فعال اقتصادی، مجموع ارزش تجارت خارجی کشور (بدون احتساب صادرات خدمات، صادرات برق و صادرات اقلام دفاعی) با جهش قابل توجهی در سال ۱۴۰۰ به حدود ۱۰۱ میلیارد

تشکیل می‌دهد که سایر گزارش‌های رسمی ارائه شده است. نکته دوم آنکه بخشی از افزایش ارزش صادرات سال ۱۴۰۱ پیرو افزایش قیمت در بازار فرآورده‌های نفتی پس از شروع جنگ روسیه و اوکراین رخ داد و به تبع عبور بازارهای مذکور از شوک حاصل از آن جنگ، اقتصاد ایران با مقداری کاهش ارزش صادرات روبه‌رو شد. همچنین باید توجه داشت که حدود ۲ میلیارد دلار از رقم مربوط به واردات

دولت سیزدهم آن است که علیرغم افزایش واردات (ناشی از بهبود صادرات نفتی و غیرنفتی)، ترکیب واردات به گونه‌ای مدیریت شد که عمدتاً واردات کالاهای واسطه‌ای، مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای که مورد نیاز و محرک تولید هستند صورت گیرد و واردات اقلام مصرفی سهم کمتر و کاهنده‌ای در مجموع واردات داشته باشند. این واقعیت در نمودار زیر قابل مشاهده است.

سال ۱۴۰۲ مربوط به واردات شمش طلا (در ازای رفع تعهد ارزی صادرکنندگان) بوده است که در واقع نوعی ورود پول به کشور است و نباید آن را در محاسبه تراز تجاری در نظر گرفت. بر اساس نکات فوق الذکر، رقم کسری تجاری غیرنفتی در سال ۱۴۰۲ در واقع امر، به مراتب کمتر از حاصل تفریق صادرات غیرنفتی و واردات در نمودار فوق است. نکته مهم در خصوص مدیریت واردات در

